

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۵

چکیده: در گزارش رییس شورای عالی امنیت آمریکا ایران به عنوان بزرگترین چالش در برابر

آمریکا انگاشته شده است که خطری فراتر از آن در برابر آمریکا وجود ندارد. ایران در این

گزارش متهم است که از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند (منظور گروه‌های که علیه اسرائیل

می‌جنگند و ان رژیم را به رسمیت نمی‌شناسند)، در صدد نابودی اسرائیل و برهم زدن

دمکراسی در عراق است. این گزارش سعی بر آن دارد که نشان دهد آمریکا آماده درگیر شدن

در جنگ دیگری به رغم مشکلات فراوانش در عراق را داراست.

دیپلماسی آمریکا در ماه مارس سال ۲۰۰۶ شاهد فعالیت فشرده مقامات این کشور با هدف

افزایش فشار علیه ایران به دلیل برنامه هسته‌ای تهران بود.

تغییر موضع واشنگتن در برابر هند و امضای موافقتنامه هسته‌ای با دهلی نو و ارتقاء موقعیت

این کشور به باشگاه کشورهای دارنده تکنولوژی هسته‌ای، کشوری که معاهده عدم انتشار

سلاح هسته‌ای را امضا نکرده است، موجی از انتقادات را حتی در داخل آمریکا برانگیخت.

آمریکا به این معاهده نیاز داشت تا ایران را از برنامه هسته‌ای‌اش باز دارد و با این موافقتنامه

زد که بر اساس منافع ملی ان کشور بود.

تکذیب مقامات رسمی هند و مقامات آمریکایی در خریدن رای هند در آژانس دیری نپایید و

بالاخره خانم رایس در پاسخ به نمایندگان کنگره در مورد موافقتنامه اتمی با دهلی نو، هدف از

آن را معامله با هند بر سر ایران خواند.

این اقدام هر چند در این زمینه قابل تفسیر است اما وجه دیگر این اقدام واشنگتن، تحکیم جبهه

ضد چین و کاهش حتی المقدور دوستی هند با روسیه نیز می باشد.

اما شاید از همه این حوادث مهم تر انتشار گزارش شورای عالی امنیت ملی آمریکا بود که در

تاریخ ۱۶/۳/۲۰۰۶ انتشار یافت و خلاصه‌ای از آن بر زبان رئیس‌جمهور و بخش‌های دیگران از

زبان دیگر مقامات آمریکایی مطرح شد که مشابهت زیادی با گزارش این شورا در سال ۲۰۰۲

بود و می‌توان آن را مکمل آن دانست.

در این طرح بار دیگر حملات پیشگیرانه علیه هر تهدید احتمالی هسته‌ای و یا تلاش جهت به دست

آوردن سلاح هسته‌ای تاکید شده است که اشاره مستقیم به ایران دارد.

«استیون هادلی» رییس شورای عالی امنیت آمریکا که پس از رایس عهده‌دار این پست شده است،

استراتژی را برای حکومت‌های که خواهان دستیابی به سلاح کشتار دسته جمعی هستند موثر می‌داند.

در گزارش این شورا ایران به عنوان بزرگ‌ترین چالش در برابر آمریکا انگاشته شده است که خطری فراتر از آن در برابر آمریکا وجود ندارد. ایران در این گزارش متهم است که از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند (منظور گروه‌های که علیه اسرائیل می‌جنگند و آن رژیم را به رسمیت نمی‌شناسند)، در صدد نابودی اسرائیل و برهم زدن دموکراسی در عراق است.

این گزارش سعی بر آن دارد که نشان دهد آمریکا آماده درگیر شدن در جنگ دیگری به رغم مشکلات فراوانش در عراق را داراست.

در همان روزی که بوش اتهام به ایران را بر زبان جاری کرد، نماینده اش در سازمان ملل

برنامه هسته‌ای ایران را در ردیف حملات یازده سپتامبر قرار داد و آن را به عنوان یک تهدید

قلمداد کرد که اگر با این واقعیت الان مقابله نشود، به خطر بزرگتری تبدیل خواهد شد.

اظهارات بلر و استراو نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه انگلیس در مورد انتقال پرونده به

شورای امنیت و رسیدن زمان تصمیم‌گیری‌های سخت نشان از بی‌حوصلگی و شتاب آمریکا

نباید ساده‌انگاری کرد تصمیم برای جنگ با ایران در روی میز تصمیم گیرندگان آمریکایی قرار دارد و آنها اکنون فضایی را یافته اند که می خواهند از این طریق به شکست های سیاسی خود در بیست و هشت سال گذشته بر آیند، اما معادله ایران معادله ساده‌ای نیست و پارامترهای زیادی در آن قرار دارد که نادیده انگاشتن آن فاجعه‌ای برای صلح جهانی به طور کلی و آمریکا به طور اخص می‌باشد.

آماده‌سازی برای جنگ چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی بعد از شکست مذاکرات آغاز نمی‌شود بلکه در خلال آن و یا حتی پیش از آن صورت می‌گیرد.

با اعلام مذاکرات مستقیم بین ایران و آمریکا پس از یک ربع قرن این اندیشه در نزد بسیاری احیا شد که روابط ایران و آمریکا بر خلاف تمامی وقایع متناقض حتی آنچه که در مورد آنچه که به عنوان احتمال جنگ بین دو کشور می‌بینیم و می‌شنویم جز خیال و نمایش چیز دیگری نیست. اما با وجود مذاکرات بین دو کشور، نباید گزینه نظامی آمریکا را دور از نظر داشت.

زمانی این گزینه کنار می‌رود که مذاکرات با موفقیت پایان یابد و این امر نیز به سادگی قابل دسترس نیست، هر چند هر دو کشور خواهان ثبات عراق هستند اما خواسته هر کدام با اهداف

آمریکا برای رهایی از فشار افکار عمومی داخل و موفقیت در تشکیل دولت وحدت ملی عراق و

کاهش تلفات خود در این کشور است و در مقابل ایران ثبات این کشور را بر اساس نتایج آن

خواستار است، پیروزمندان این انتخابات چه از طیف شیعه ها و چه از طیف کردها ارتباط

مستحکمی را با ایران دارند و گروه‌هایی از اهل سنت نیز با ایران در ارتباط هستند که به این

ترتیب شکل‌گیری قدرت در این کشور را بر خواسته‌های که بر خلاف روش دمکراتیک باشد

نمی‌پذیرد به ویژه که اصلی‌ترین برندگان انتخابات گذشته عراق متحدان طبیعی ایران هستند.

ایران در مقابل امتیازاتی که در عراق به آمریکا می‌دهد خواستار آنست که برنامه هسته‌ای اش به

رسمیت شناخته شود امری که اگر آمریکا به آن تن دهد با آنچه که تا کنون در گزارش ها و

اظهارات مقامات این کشور عنوان شده است، متفاوت خواهد بود.

اگر ایران این امتیاز را بگیرد حتی بدون داشتن بمب هسته‌ای به باشگاه هسته‌ای خواهد پیوست

و این به آن معنا خواهد بود که موقعیت منطقه‌ای و نظام حاکم بر این کشور تقویت خواهد شد،

امری که آمریکا اصلا به آن رضایت ندارد و اگر این اصول را مبنا قرار دهیم این مذاکرات

نمی‌تواند با موفقیتی همراه باشد.

روسیه یا بانک سوخت منطقه ای و دهها ایده دیگر که در روی میز مذاکرات قرار دارد هر چند

در ظاهر مورد رضایت آمریکاست اما در عمل خریدن وقت برای گذشتن از بحران عراق

می باشد.

گزارش شورای امنیت ملی آمریکا غیر از ایران نکته های دیگری را نیز در برداشت که در خور

توجه است و در گزارش سال ۲۰۰۲ مشهود نبود.

تاکید بر همکاری با متحدان نکته ای مهم در این گزارش بود، امری که در گزارش سال ۲۰۰۲ از

آن خبری نبود و باعث حرکت انفرادی آمریکا در جنگ علیه عراق شد که ناخشنودی متحدان

آمریکا در اروپا چون فرانسه و آلمان را در پی داشت.

با شکست استراتژی تکروی آمریکا، در گزارش جدید اهمیت بیشتری به هم پیمانان داده شده

است اما در عین حال حق حرکت انفرادی در صورت لزوم مورد تاکید قرار گرفته است، امری که

جان بولتن در ۲۰۰۶/۴/۰۶ آن را مورد تاکید قرار داد و اعلام کرد در صورت عدم اجماع

شورای امنیت به اقدام یکجانبه همراه با متحدان آمریکا علیه ایران خواهند کرد.

در این گزارش روسیه به عنوان کشوری که در دمکراسی عقبگرد داشته است و مثل قدیم فکر

شده است.

در این گزارش ارتباط با روسیه به سیاست‌های آن کشور در خاورمیانه و آسیای مرکزی و ایران و کره شمالی وابسته شده است.

در حالی که آمریکا به تنهایی ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه بودجه جنگی اش می‌باشد، آمریکا در این گزارش چین را متهم به افزایش بودجه نظامی خود به میزان ۱۶/۸ درصد و حدود ۳۸ میلیارد دلار متهم می‌کند.

به روشنی عمده‌ترین چالش‌های آمریکا را در خارج از منطقه خاورمیانه می‌توان یافت و در صدر لیست نیز کشورهای چین، روسیه و هند قرار دارند اما چه شده است که به جای این کشورها عراق و پس از آن سوریه و لبنان و در حال حاضر ایران در لیست قرار گرفته‌اند.

جواب این پرسش را تنها در یکجا می‌توان یافت و آن اینکه لابی پر نفوذ اسرائیل در آمریکا چالش‌های اسرائیل را به عنوان چالش‌های آمریکا قرار داده است، امری که منافع ملی آمریکا را چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت با زیان غیر قابل برگشت مواجه خواهد کرد.

شاید درس تاریخ به کمک اید و ارائه مقایسه‌ای بین حضور این قدرت در خاورمیانه پیش از

این آموزه‌ها به تصحیح خطاهای گذشته آیند، هر چند که این امر نیاز به جسارت دارد و نظام

سیاسی آمریکا فاقد چنین جسارتی است.

منبع: بازتاب